



شنبه‌های  
چالشی روزنامه صبا؛  
تربیتی آزاد برای اهالی  
فرهنگ و هنر

## تئاتر عاشورایی؛ قربانی

# سوءمدیریت یا ضعف هنرمندان؟

## چه کسی تئاتر عاشورایی را به حاشیه برد؟

که برای اثبات دانش خود، به سراغ کارگردان‌های درجه چندم غربی می‌روند و با ترجمه‌های ناقص و حتی ترجمه‌های ماشینی، آن‌ها را مبنای آموزش و پژوهش قرار می‌دهند و از دانشجویان خواسته می‌شود درباره این آثار رساله بنویسند، در حالی که این مسیر، تولید علم واقعی در تئاتر را تضعیف می‌کند.

در صورتی که اگر به کتابخانه‌های دانشکده‌های هنری مراجعه کنید، درباره بسیاری از چهره‌های مهم ادبی و آیینی ایران از جمله ملا حسین کاشفی، رفیع قزوینی، محتشم کاشانی، کمال قیاس شیرازی، بابا سودایی اسی‌وردی، تاج‌الدین حسن تونی سبزواری، ابن حسام قهستانی، خواجه اوحید شیرازی، لطف‌الله نیشابوری، کاتبی ترشیزی، وصال شیرازی و شاعر ترک‌زبانی که متن لیلی و مجنون آن را اجرا کرده‌ام و محمود خان ملک الشعرا هیچ رساله جدی‌ای وجود ندارد. علت اصلی آن به یک نگاه رایج در فضای دانشگاهی برمی‌گردد؛ جایی که برخی از اساتید برای کسب اعتبار علمی، به جای تمرکز بر میراث فرهنگی ایران، به آثار کارگردان‌ها و نظریه‌پردازان غربی مانند تادئوس کانتور و جریان‌های تئاتر اروپای شرقی اشاره می‌کنند تا برای خودشان منزلتی ایجاد کنند. در این جا نوعی کمبود اعتمادبه‌نفس وجود دارد که باعث می‌شود پژوهشگران به جای اتکاب به منابع بومی، صرفاً به ترجمه و تکرار منابع خارجی بسنده کنند. حالا اگر بهروز غریب پور این حرف را بزند از نظرشان مهم نیست ولی اگر این حرف را مثلاً برتولت برشت بزند داستان تغییر می‌کند.

متأسفانه این وضعیت یک «بیماری فرهنگی» است. غریب‌پور با اشاره به تجربه‌های شخصی خود در دهه ۱۳۷۰ بیان کرد: در آن زمان توانستیم تجربه‌های فراموش شده را در فرهنگسرای بهمن طی ۴۵ شب اجرا کنیم؛ اجراهایی که با همراهی گروه‌های موسیقی نیروی زمینی و تیزه‌خوانان برجسته و بر اساس شیوه‌های قدیمی تکیه دولت برگزار شد. در یکی از اجراها، با حضور ۷۰ نوازنده سازهای نظامی، اجرا به‌قصدی تأثیرگذار بود که دکتر حبیبی (معاون اول وقت ریاست جمهوری) تحت تأثیر قرار گرفت و گریه کرد. من عاشورا را در هر جای دنیا روی صحنه بردم که به احترامش ایستاده‌اند. چرا باید کارگردان‌های جوان از دیده نشدن این آثار بترسند؟

او با انتقاد از نهاد‌های فرهنگی گفت: متأسفانه در این بین برخی از افرادی که حتی مدرک دکترا در این حوزه دارند و موضوع پایان‌نامه‌شان تئریه بوده هیچ حمایتی نمی‌شوند. اگر حمایت واقعی وجود داشت، می‌شد با بودجه‌های اندک این پژوهش‌ها را منتشر و ظرفیت‌های ناشناخته ایرانی را به جهان معرفی کرد. من برای فهماندن این مسائل باید روبروی جماعتی بایستم که در بین آن‌ها شبهه‌استادان دانشگاهی، نسل جوان مدعی و مومنانی که تئریه و تحلیل نمی‌دانند وجود دارند. متأسفانه این وسط یک نادانی وجود دارد. روسای دانشگاه‌های هنری، روسای رشته تئاتر و بازیگران به یک راه غلط و ناموفق رفته‌اند. غریب‌پور، همچنین به چرایی اجرای محدود تئریه‌ها

تجربه‌هایی خلاقانه هم زدم. همچنین با استفاده از مرتبه دوازده‌بند محتشم کاشانی در اثری که به واقع سال ۶۱ هجری قمری مربوط است، نوعی جابه‌جایی زمانی ایجاد کردم که میان دو مقطع تاریخی حدود ده قرن فاصله وجود دارد. با این حال، این مرتبه در یک مسیر روایی قرار داده شده و آن را از دل زمان عبور دادم تا به واقعتهای برسد و هم‌جوار با عزاداران، عزاداری کند. پس به نظرم از یک سومی‌توان از شیوه‌های مدرن بهره گرفت و از سوی دیگر اصالت‌ها را حفظ کرد.

این کارگردان تئاتر با اشاره به تجربه‌های ناموفق دیگران در این حوزه، اظهار کرد: افرادی که در این مسیر به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند باید خودشان دلایل این ناکامی را بررسی کنند. من قصد ندارم درباره همکاران یا رقبا صحبت کنم این را نوعی تحقیر می‌دانم. ولی طی این سال‌ها با اینکه نزدیک به دو دهه «ایرایی عاشورا» اجرا شد حتی در همین مدت نیز حتی یک نفر برای شناخت جزئیات و رموز این تجربه از من پرس و جو نکرده است. نبود این کنج‌کاوی حرفه‌ای باعث می‌شود انتقال تجربه به‌درستی شکل نگیرد و نمی‌توان انتظار داشت بدون درخواست و علاقه‌مندی، این دانش منتقل شود. چرا که هر فردی جایگاه خود را دارد و همان‌طور که در یک حرفه تخصصی انتظار می‌رود، افراد خودشان باید به دنبال یادگیری باشند چرا که نمی‌توان آموزش و انتقال تجربه را به اجبار پیش برد.

این هنرمند در ادامه با رد این تصور که مسئله تئاتر عاشورایی به عدم علاقه‌مندی جوان‌ترها برمی‌گردد، افزود: مشکل جای دیگری است. فضای فعلی به گونه‌ای شده که برخی تلاش می‌کنند به‌تنهایی جای یک گروه کامل را بگیرند و کار را فردی پیش ببرند. طبیعتاً در چنین شرایطی تجربه‌های دیگران کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. حتی در این بین نوعی نگرانی از برجسب (تقلید) هم وجود دارد. در حالی که به اعتقاد من، همان افراد در عمل مقلد بدترین اجراهای غربی هستند. حتی برخی در فضاهای مجازی طراحی صحنه و نورپردازی‌ها را می‌بینند و بدون هیچ تغییری در کارشان اجرا می‌کنند. چون از نظر خودشان می‌خواهند کار جهانی روی صحنه ببرند.

بهروز غریب‌پور بر این باور است که در فضای دانشگاهی هنر، نوعی بحران دانشی و وابستگی به منابع غربی باعث شده بسیاری از پژوهش‌ها از هویت بومی فاصله بگیرند و ادغام می‌کند: متأسفانه در حال حاضر بی‌سوادهایی به عنوان استاد دانشگاه هستند



بهروز غریب‌پور؛  
کارگردان:

### تئاتر عاشورایی را سوءمدیریت زمین زد

بهروز غریب‌پور، نمایشنامه‌نویس، کارگردان شناخته‌شده تئاتر و بنیان‌گذار ایرای ملی ایران که نامش بیش از هر چیز با آثاری چون «ایرایی عاشورا» و «مولوی» گره خورده است، معتقد است مشکل تئریه در ایران نه کمبود مخاطب، بلکه ضعف شناخت، پژوهش و برنامه‌ریزی فرهنگی است. او با انتقاد از رویکرد دانشگاه‌ها، مدیران فرهنگی و بخشی از جامعه تئاتری تأکید می‌کند که تئریه به‌عنوان یک نظام کامل نمایشی، موسیقایی و روایی سال‌هاست به اجراهای مناسبتی محدود شده؛ در حالی که به باور او این میراث ارزشمند هنوز ظرفیت‌های فراوانی برای روایتگری و خلق آثار جدید دارد.

بهروز غریب‌پور معتقد است: یکی از دلایلی که تئریه هنوز جایگاه ویژه خود را در بین مردم دارد حفظ اصالت آن است به همین دلیل مخاطب می‌داند با چه چیزی مواجه است. زمانی که بخوایم شکل تئریه را روی صحنه ببریم یعنی به نثر تبدیل شود، موسیقی از آن حذف شود و تئاتر به معنای عام جایگزین ساختار اصلی آن شود، یعنی خلاف اصالت تئریه عمل می‌کنیم، در واقع ماهیت و اصالت این هنر زیر سؤال می‌رود. اجازه بدهید مثالی برایتان بزنم. اگر یک آواز کلاسیک ایرانی بدون موسیقی پس‌زمینه و صرفاً با تبدیل شعر به نثر اجرا شود و یک فردی که گوینده اخبار است قصه را روایت کند. طبیعی است که اثرگذاری خود را از دست می‌دهد و شکست می‌خورد و در نهایت مخاطبی هم ندارد.

غریب‌پور در ادامه با اشاره به تجربه شخصی خود در اجرای «ایرایی عاشورا» تأکید کرد: در این اثر تلاش کردم همه عناصر اصیل تئریه را حفظ کنم؛ از موسیقی تئریه گرفته تا شیوه خواننده - بازیگری و همچنین وفاداری به اصالت معنایی و محتوایی، تا اثر بتواند بر تماشاگر تأثیر بگذارد. در کنار حفظ این اصالت‌ها، دست به

هر سال با فرارسیدن ماه محرم، صحنه‌های آشنا در گوشه و کنار ایران تکرار می‌شود؛ تماشاگرانی که بی‌واسطه و مشتاق گرد اجاری تئریه جمع می‌شوند، هنری که پس از قرن‌ها همچنان بخشی از حافظه جمعی ایرانیان باقی مانده است. در مقابل، تئاتر عاشورایی با وجود برخوردار از امکانات اجرایی مدرن، حمایت‌های نهادی و حضور در جشنواره‌ها و مناسبت‌های رسمی، هنوز نتوانسته جایگاهی هم‌سنگ با تئریه در میان مخاطبان پیدا کند. آباراز ماندگاری تئریه در پیوند عمیق آن با آیین، باور و زیست فرهنگی مردم نهفته است یا تئاتر عاشورایی در مسیر شکل‌گیری خود گرفتار نگاه‌های مناسبتی، ضعف پژوهش و بحران هویت شده است؟ روزنامه صبا، برای واکاوی این پرسش در شنبه‌های چالشی این هفته به سراغ سه چهره شناخته‌شده حوزه تئاتر و هنرهای نمایشی رفته است؛ چهره‌هایی که اگرچه از منظرهای متفاوت به موضوع می‌نگرند، اما همگی بر یک نکته تأکید دارند؛ فاصله میان تئاتر عاشورایی و مخاطب امروز، بیش از آنکه ناشی از کمبود امکانات باشد، حاصل گسست از ریشه‌های فرهنگی و ناتوانی در خلق زبانی است که بتواند میان سنت و هنر معاصر پلی ماندگار ایجاد کند.

سمیرا جعفری  
گزارش